

جمهوری اسلامی ایران، بخشی از حاکمیت مانند رئیس جمهور بدون نظر دیگران بویژه بدون اذن و نظر رهبری بخواهد در حوزه‌ای به اهمیت موضوع هسته‌ای خودش تصمیم بگیرد و اجرا کند با منطق حاکمیتی در جمهوری اسلامی ایران سازگاری ندارد.

■ **منتقدان ادعای کنند که دولت، رهبری را در جریان جزئیات قرار نمی‌داند و نیز اینکه برجام دارای نواقصی است که در نتیجه عدول از شروط رهبری درباره توافق بوده است و طبق همین ادعای گویند که دولت باید مرگ این توافق را اعلام کند**

این حرف بیش از هر چیز توهین به رهبری و تخطئه جایگاه ایشان است. از قضا اگر شما سخنانی از رهبری را از ابتدای مذاکرات به بعد مرور کنید شواهد زیادی حاکی از اشراف ایشان به جزئیات پیدایمی کنید. ایشان در اوایل دوره‌ای که مذاکرات آغاز شد، در یک سخنرانی توضیح می‌دهند که چرا اجازه انجام آن را دادند؛ یعنی علی‌رغم بدگمانی به طرف مقابل، اجازه انجام مذاکرات را صادر کردند. بعد از آن در طول مذاکرات و بعد از آن هم چندین بار به مواردی اشاره کردند که حاکی از اشراف ایشان بر جزئیات روند مذاکرات است. رهبری در تیرماه سال ۹۴ جایی در حمایت از تیم مذاکره‌کننده می‌گویند «اکثر حضاری که اینجا تشریف دارید، از محتوای مذاکرات خبر ندارند؛ اگر شما هم از محتوای مذاکرات و جزئیات مذاکرات آنچه در مجالس می‌گذرد مطلع بودید، به بخشی از آنچه بنده گفتم، حتماً ادعای می‌کردید». این جمله ایشان نشان می‌دهد که ایشان از جزئیات مذاکرات اطلاع داشتند. از سوی دیگر، ایشان در طول مذاکرات چه در سخنرانی‌های عمومی و چه در دستورالعمل‌ها، خطوط قرمزی برای تیم مذاکره‌کننده ترسیم فرمودند که هم نشان از «اشراف» ایشان و هم «نظارت مستمر» ایشان بر فرآیند دارد. مثلاً در جای دیگری ایشان باز تصریح می‌کنند که «من همواره مسائل کلان، چارچوب‌های مهم و خطوط قرمز را به مسئولان کشور، به رئیس جمهور محترم که مابا ایشان جلسات مرتب داریم و در موارد معدودی به وزیر محترم امور خارجه گفته‌ام» شما از هیچ کجای این جمله نمی‌توانید استنباط کنید چراغ سبز دادند یا اختیارات ویژه و خارج از قانون به کسی دادند. بعد در سخنرانی دیگری، تصریح می‌کنند که «علیرغم اشراف بر جزئیات - رویه کلی ایشان مداخله در جزئیات نیست، اما اگر لازم باشد حتی در جزئیات هم ورود می‌کنند. رهبری خود توضیح داده‌اند که وقتی می‌گویند در جزئیات مداخله نمی‌کنند، منظورشان چگونه جزئیاتی است؛ ایشان می‌فرمایند «خصوصیات کوچک که تأثیری در تأمین آن خطوط کلان ندارد». پس به عبارت دیگر، اگر جزئیاتی باشد که در تأمین خطوط کلان تأثیری داشته باشد اتفاقاً آن جزئیات مورد توجه ایشان است و خود را موظف به ورود می‌دانند. کما اینکه در مواردی ایشان صراحتاً حتی در سخنرانی عمومی در مورد برخی از جزئیات بسیار ریز فنی هم اظهار نظر کردند؛ از آن جمله که خودشان هم مثال زدند چند مورد اختلافی با طرف مقابل درباره الیاف کربن و نحوه محاسبه ۳۰۰ کیلو

ذخایر اورانیوم غنی شده بود. در این موارد رهبری صراحتاً در این موضوعات ریز فنی خطاب به دکتر صالحی از تربیون عمومی دستورالعمل صادر کردند. بنابراین مجموع شواهد و سخنرانی‌ها و روال کار در نظام حکومت جمهوری اسلامی نشان می‌دهد اصولاً چنین فرضیاتی محلی از اعراب ندارد که دولت در چنین موضوعات مهمی بتواند یا بخواهد بدون نظر سایر ارکان نظام به خصوص مقام معظم رهبری اقدامی کند یا تصمیم بگیرد.

■ **تحولات جاری پیرامون اجرای برجام به نقطه‌ای رسیده است که شماری در داخل کشور معتقدند اساساً بود و نبود برجام فرقی ندارد و صبر استراتژیک ایران و حتی متوقف کردن مرحله‌ای تعهدات برجامی نتیجه‌ای برای محقق شدن منافع ملی ایران نداشته است. پاسخ شما به این انتقادات چیست؟**

درباره دستاوردهای برجام باید دو مقطع پیش از خروج آمریکا از این توافق و پس از خروج این کشور را از هم جدا کرد. من فکر می‌کنم افراد مطلع و منصف به خود اجازه نمی‌دهند مدعی شوند برجام هیچگاه منفعتی برای کشور نداشته است؛ این دیگر بحث عدد و رقم و آمار است،

دسترسی ایران به میلیاردها دلار دارایی‌های کشور که در خارج از کشور متوقف شده و در دسترس مانده، تحول در روابط بانکی که قبل از برجام کاملاً قفل بود، تسهیل شدن مرادوات تجاری و صنعتی با شرکت‌های مختلف خارجی و بسیاری موارد دیگر همه از پیامدهای حاصل شدن برجام تأییدش از خروج آمریکا بود. هنگامی که آمریکا از برجام خارج شد، نشان داده شد چه میزان تحولات در همان زمان کوتاه اجرای برجام شکل گرفته بود. چنانکه بعد از خروج آمریکا آمار و اخبار هر روز اعلام می‌شد که چه تعداد شرکت از ایران می‌روند و چه مسیرهایی در حال مسدود شدن است و از این دست. خب این سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها چه وقت آمده بودند که بعد از خروج آمریکا هر روز می‌گفتیم در حال رفتن هستند؟ اینها در همان دوره برجام آمده بودند. قبلیش که نبودند. ضمن اینکه اصولاً فضای مثبتی هم ترسیم شده بود و همین باعث شد که توجه شمار زیادی از سرمایه‌گذاران خارجی جلب شود و آماده ورود به بازار اقتصادی ایران شوند. اما اینها جزو فرآیندهای زمانبر است. نمی‌شود آنها را ظرف مدت کوتاهی اجرایی کرد. به هر حال در دوره اجرایی شدن برجام تا قبل از خروج آمریکا، تحقق منافع اقتصادی و تجاری ایران ملموس بود و وقایع بعد از آن به خوبی نشان داد ما چه منافعی در این مدت داشتیم که بعد تحت فشار آمریکا کاهش پیدا کرد.

در دوره بعد از خروج آمریکا هم باز این طور نیست که برجام برای ما منفعت نداشته باشد و نبودن آن یکی باشد. برجام همین حالا هم چارچوب و سنگ بنای محکمی برای روابط سیاسی و اقتصادی مابین بسیاری از کشورهاست. وقتی می‌گوییم برجام، منظور کارکرد آن به عنوان راه حلی است که قطعنامه‌های شورای امنیت را و پرونده پی.ام.دی در آژانس را از میان برداشت و بدون این مهم، زمینه زیادی برای همکاری و تعامل با کشورهای دیگر متصور نبود. از یاد نبریم یک وقت است کشورهای جهان، شرکت‌ها، بانک‌هایشان و افراد حقیقی و حقوقی‌شان تحت فشار آمریکا قرار می‌گیرند تا با ایران کار نکنند. یک وقتی هم هست که خود این کشورها به لحاظ تبعیت از قطعنامه‌های شورای امنیت به این الزام قانونی و حقوقی می‌رسند که نباید با ایران کار کنند و کار با ایران را ممنوع کنند. بین این دو وضعیت، تفاوت از زمین تا آسمان است. در حالت اول آمریکا فشار می‌آورد و کشورهای تحت فشار در همکاری‌شان با ایران دچار محدودیت‌هایی می‌شوند، اما همیشه می‌توان راهی پیدا کرد. کما اینکه در بسیاری موارد شرکت‌ها و بانک‌ها و افراد تلاش کردند راه پیدا کنند و کشورهایشان حداقل جلوی آنها را نمی‌گرفتند.

■ **خب الان هم انتقادات به این دسته از کشورها وجود دارد که اراده کافی در میان شرکای تجاری برجام وجود ندارد تا به رفع مانع تراشی آمریکا کمک کند.**

من هم نمی‌گویم همه کشورهای مختلف آمده‌اند و به روابط تجاری با ایران کمک کرده‌اند، نه خیلی‌ها هم تحت فشار آمریکا عقب‌نشستند. اما به هر حال خودشان مانع تسهیل رابطه میان بخش‌های اقتصادی با ایران نشده‌اند و در موارد زیادی هم (که طبیعتاً جای بحث عمومی آن نیست) بسیاری از کشورها کمک‌های خوبی به تداوم روابط اقتصادی کرده‌اند. این وضعیت را مقایسه کنید با یک وضعیتی که قطعنامه یا قطعنامه‌های فصل هفتمی شورای امنیت برای همکاری با ایران مانع ایجاد کند. اگر به یاد داشته باشید، در دوره قبل از برجام و بر پایه قطعنامه‌های سازمان ملل بخصوص قطعنامه ۱۹۲۹ بسیاری از کشورهای بولوک‌های منطقه‌ای خودشان مقررات تحریمی علیه ایران گذاشته بودند. چنانکه مقررات تحریمی علیه ایران در اتحادیه اروپایی، کانادا، استرالیا و ژاپن و بسیاری از کشورهای موجود داشت و این کشورها اقداماتی که در جهت اجرای قطعنامه‌ها علیه ایران کرده بودند به شورای امنیت و کمیته تحریم‌ها (همان کمیته ۱۷۳۷) گزارش می‌دادند و خودشان فعالانه تحریم‌ها را علیه ایران اعمال و اجرای کردند. آن وضعیت کجا و این کجا که کشورها برعکس گذشته معتقد به همکاری با ایران هستند؛ اما با فشارهای آمریکا هم روبه‌رو هستند. خب این دو وضعیت خیلی بایکدیگر متفاوت است و ما بعد از خروج آمریکا با این حالت روبه‌رو بودیم و هستیم. یعنی افراد و شرکت‌ها بانک‌ها و کشورهای معتقد به کار با ایران هستند اما از آمریکای ترسند. لذا بسیاری از این کشورها سعی کردند راه‌هایی پیدا کنند که از دید آمریکا به دور باشد.

تکنه دوم و خیلی مهم بحث هزینه‌ای است که آمریکا برای تحریم ایران متقبل می‌شود. الان آمریکا از نظر سیاسی، مالی و نیروی انسانی هزینه‌گرافی می‌کند تا بتواند تحریم‌هایش را با موفقیت به دیگران دیکته و آنها را مجبور به اجرا کند. سفرهای مداوم مقام‌های آمریکا در سطوح مختلف به کشورهای دیگر، اختصاص وقت زیادی از دیپلمات‌های آمریکا در نقاط مختلف جهان برای پیگیری تحریم‌های ایران فقط بخش کوچکی از تلاش‌هایی است که هزینه سنگینی را به آمریکا تحمیل می‌کند؛ زیرا تحریم‌های آمریکا یک چانه‌است و مبنای بین‌المللی ندارد. بنابراین این کشور در کنار ابزار تهدید باید در خیلی جاها از ابزار تطمیع هم استفاده کند و امتیازاتی را ناچار به